

وجود رابط از منظر استاد جوادی آملی و تفاوت‌های آن با دیدگاه ملاصدرا

هادی یساقی^{*} | محمد حسین زاده^{**}

چکیده

مفهوم «وجود رابط» در فلسفه اسلامی و خصوصاً حکمت متعالیه در شمار مباحث پرچالش و پایه‌ای مطرح است. مساله وجود رابط از نوآوری‌های بنیادین صدرالمতالیهین است که نسبت میان واجب و ممکن را تبیین و توضیح می‌کند. هدف این مقاله بررسی این مساله مهم از منظر آیت‌الله جوادی آملی، شارح و فیلسوف معاصر پیرو حکمت متعالیه، است. ما معتقدیم استاد جوادی آملی با پذیرش چارچوب کلی حکمت متعالیه، تفسیری متفاوت از وجود رابط ارائه داده و با تأکید بر «فقر محض ممکنات» و «وحدت عینی وجود»، هرگونه استقلال وجودی را از ممکنات سلب کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که این تفسیر از وجود رابط، ممکنات را صرفاً به عنوان تجلیات وجود حق تعالی تلقی می‌کند، لذا ضمن اینکه خود را به سنت فلسفی ملاصدر پایبند نگاه می‌دارد از سوی دیگر، با بهره‌گیری از مبانی عرفانی و قرآنی، به نتایجی مشابه با نظریه «وحدت وجود» می‌رسد. این تحقیق با روش تحلیلی-توصیفی و با بررسی آثار اصلی این دو حکیم، به واکاوی نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌های ایشان پرداخته و در پایان نشان می‌دهد که تبیین استاد جوادی آملی از وجود رابط، گرچه با تلفیق برهان و عرفان و قرآن، عمیق‌تر و دقیق‌تر شده است لیکن باز هم با چالش‌های جدیدی مواجه شده است، این چالش‌ها خود را در هماهنگی با اصولی مانند علیت، اختیار انسان و واقعیت عالم ماده بیشتر نمایان می‌کنند.

کلید واژه‌ها

وجود رابط، حکمت متعالیه، ملاصدر، استاد جوادی آملی، وحدت وجود، اصالت وجود، تشکیک وجود.

* دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی. موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران. (yasaghi@irip.ac.ir)

** دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی. موسسه حکمت و فلسفه ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۲۳؛ تاریخ اصلاحات: ۱۴۰۵/۰۳/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۶)

□ یساقی، هادی، حسین زاده، محمد (۱۴۰۵). وجود رابط از منظر استاد جوادی آملی و تفاوت‌های آن با دیدگاه ملاصدر، فصلنامه

حکمت اسرائ، ۱ (۵۲)، ۷۹-۱۰۰. | doi: 10.22034/hi.2026.585291.2161

درآمد

یکی از مفاهیم بنیادین در هستی‌شناسی فلسفه اسلامی، بحث «وجود» و اقسام آن است. زیرا وجود معرف هرگونه موجودی، چه عینی (خارجی) و چه ذهنی است. وجود خود به اقسام گوناگون تقسیم می‌شود و نوع و تعداد آنها وابسته به این است که از چه منظری و چه بعدی به وجود نظر شود. در میان این اقسام، «وجود رابط» جایگاهی ویژه دارد که در دستگاه فلسفی ملاصدرا به دقت مورد تبیین قرار گرفته است. ملاصدرا، با ارائه‌ی نظریه‌ی اصالت وجود و تشکیک وجود، توانست ساختار مفهومی نوینی برای تبیین ارتباط میان حق تعالی و موجودات ممکن ارائه دهد. در این ساختار، وجود رابط به عنوان نحوی از بودن که وابسته به دیگری است، در برابر وجود مستقل - که قائم به ذات است - قرار می‌گیرد. این تمایز، امکان تحلیل دقیق‌تری از نسبت میان خالق و مخلوق، علت و معلول و کل و جزء را فراهم می‌سازد.

با این حال، با گذشت زمان و در بستر تأملات فیلسوفان اسلامی معاصر، این مفهوم دستخوش بازخوانی‌های جدیدی شده است. یکی از فیلسوفان برجسته معاصر، آیت‌الله عبدالله جوادی‌آملی است که با بهره‌گیری از سنت صدرایی و هم‌زمان با بهره‌مندی از تأملات قرآنی، تفسیری خاص و گاه متفاوت از وجود رابط ارائه می‌دهد. وی بر اساس مبانی خود، معتقد است که در عالم خارج، وجودی عینی جز وجود واجب تحقق ندارد و دیگر موجودات تنها در نسبت با او معنا می‌یابند. به بیان دیگر، وجود رابط نه به عنوان یک تحقق خارجی مستقل، بلکه به عنوان نوعی از تعلق و وابستگی به وجود واجب تفسیر می‌شود.

این رویکرد، پرسش‌های فراوانی را پیش روی پژوهشگران قرار می‌دهد: آیا این تفسیر با تعبیری که از اصالت وجود و تشکیک وجود در حکمت متعالیه می‌شود، هماهنگ است؟ آیا حکیم جوادی‌آملی در بیان خود به قرائتی عرفانی از وحدت وجود نزدیک نمی‌شود؟ و اینکه وجود رابط در اندیشه‌ی ایشان تنها یک اعتبار عقلی است یا نوعی از تحقق وابسته؟ پژوهش حاضر در پی آن

است که با بررسی تطور مفهوم وجود رابط از صدرالمتألهین تا آیت‌الله جوادی آملی، نسبت آن را با اصول هستی‌شناسی فلسفه اسلامی بازشناسی کرده و جایگاه آن را در منظومه‌ی فکری ایشان تحلیل نماید.

۱. ادبیات و پیشینه بحث از «وجود رابط»

پیشینه «ذات نداشتن برخی امور و ارجاع آن به یک اصل و حقیقت» را برای نمونه می‌توان از یونان باستان جستجو کرد. این مساله در آثار افلاطون و ارسطو قابل ردیابی است. چه‌که آنجا بحث از وجودی است که از خود ذات ندارد و عین ربط و ارجاع به یک اصل و ذات است.

در رساله‌های جمهوری و سوفیست افلاطون و نیز جمهوری ارسطو به این بحث اشاراتی شده است. افلاطون، مفاهیم «وجود ناموجود»^۱ (Plato, Sophist: 163, c3)؛ «تفاوت»^۲ و تعبیر «ناموجود موجود»^۳ (Plato, Sophist: 250a, 11-12)؛ b, 7-10؛ d, 8-9 & 11-12؛ Plato, Republic: 477a و d, 8-9 & 11-12 را مربوط به وجودی میداند که از خود ذات ندارد و بدون استقلال مفهومی، عین ربط و ارجاع به یک اصل و ذات است. در عبارت افلاطون اینگونه است: «آنچه نیست به گونه‌ای هست» و «آنچه هست به گونه‌ای نیست»^۴ (Plato, Sophist: 241d, 5-7) ارسطو نیز در این بحث، وجود را نه به نحو مشترک لفظی و نه مشترک معنوی بلکه به شکل سومی یعنی وجود کانونی و با استفاده از اصطلاح «به مثابه»^۵ نشان می‌دهد و با تمایز «وجود بالعرض»^۶ و «آن چه که به هیچ وجه نیست»^۷ بدنبال حل «وجود ناموجود» افلاطون است. (Aristotle, Republic: b10-13؛ ۱۶-۱۳، 4-10). این وجود ناموجود حاکی از وجودی است که مانند وجود رابط در فلسفه اسلامی از خود ذات ندارد و در عین حال موجود است.

۱. οὐσίας ἀποσίαν

۲. ἕτερον

۳. κίνησις ὄντως οὐκ ὄνέστικαὶ ὄνῃ

۴. τὸ ὄν ὡς οὐκ ἔστι τὸ τε μὴ ὄν ὡς ἔστι

۵. ἢ

۶. κατὰ σθμβεβηκός

۷. ἀπλῶς

پس از یونان در دوره شکوفایی فلسفه میان مسلمین و جهان اسلام، شاهد اصلاح، بسط و تعمیق بحث وجود رابط هستیم. در آثار ابن سینا، اگرچه اصطلاح «وجود رابط» به کار نرفته، اما مفاهیمی همچون «معلول بودن»، «مربوط بودن»، و «ارتباط وجودی با علت» در جهت تأسیس این معنا به کار می‌روند. همچنین ابن سینا در تبیین رابطه‌ی علی و معلولی، به نحو ضمنی به نوعی از وجود اشاره می‌کند که تحقق آن وابسته به علت بوده و بدون آن هیچ‌گونه استقلالی ندارد. (ابن سینا، ۱۳۸۴، ج ۱، ص. ۱۰۴ و ۱۰۵)

مفهوم وجود ربطی تا پیش از میرداماد رابط نام داشت چرا که این وجود را تنها بین جوهر و عرض یا ماده و صورت یافته بودند. در عین حال در برخی از اصطلاحات به همین وجود، وجود رابطی نیز گفته می‌شد و همچنین به وجود های عرض و صورت (یک طرف وجود رابط) هم وجودهای رابطی می‌گفتند. (مطهری، ۱۳۷۲: ۱۰ / ۲۹، پاورقی) علیرغم اصلاح خلط اشتراک لفظی با تفکیک رابط از رابطی (تنها عرض) از سوی میرداماد و پذیرش آن از سوی صدر، این اصطلاح همیشه در آثار این دو فیلسوف به دقت و روشنی رعایت نشده و نیازمند توجه به قراین است.

صدر با تحلیل عمیق معلول این بحث را ارتقاء داد بنحوی که حقیقت معلول همان حقیقتی است که فیلسوفان بین جوهر و عرض یافتند، و آن را «عین نسبت» نامید و دیگران با ارتقا این واژه، اصطلاح ربط را قرار دادند. تفاوت عین نسبت با رابطه جوهر و عرض در این است که جوهر و عرض اضافه مقولی است و دو طرف دارد و عین نسبت اضافه اشراقی بوده و یک طرف دارد. حاجی سبزواری بحث مستقلی ندارد و ذیل بحث های دیگر از آن بحث کرده است. اولین کسی که این بحث را تحت یک مرحله آورده است، علامه طباطبائی در کتابهای بدایة الحکمه و نهایة الحکمه است که اهم مطالب صدر را دارد. بعد از علامه نیز متاخرین و شاگردان ایشان بصورت مبسوط از آن بحث کرده اند. (طباطبائی، ۱۴۰۲، ص. ۱۱۲)

لذا مفهوم «وجود رابط» از جمله مفاهیمی است که در فلسفه‌ی اسلامی، به‌ویژه در حکمت

متعالیه، به صورت متمایز و در عین حال تعیین کننده مطرح شده است. در واقع بررسی این مفهوم نشان می‌دهد که می‌توان این مفهوم را در آثار پیشینیان نیز یافت، اما صورت‌بندی اصطلاحی و نظری آن در اندیشه‌ی ملاصدرا است که به کمال می‌رسد، به دیگر تعبیر، وجود رابط تنها در فهم فلسفی ملاصدرا است که دارای جایگاهی مشخص می‌شود.

این پیشینه نشان از اشاراتی ضمنی دارد که در تعبیر فلاسفه پیش از صدرا یافت می‌شود، اما مسئله ضمنی یا مصرح بودن تعبیر از وجود رابط نیست بلکه مسئله این است که در این اشارات فلسفی جایگاه مشخصی که وجود رابط بتواند براساس آن نقشی موثر بپذیرد تعریف نشده است. ملاصدرا نخستین فیلسوفی است که با تکیه بر اصولی چون اصالت وجود و تشکیک وجود، این معنا را به صورت دقیق فلسفی صورت‌بندی می‌کند. در نظر او، وجود رابط صرفاً در نسبت با وجود مستقل معنا می‌یابد و از خود هیچ استقلالی ندارد. او به تفصیل به این موضوع پرداخته و تأکید می‌کند که هر معلولی، نه فقط در پیدایش بلکه در بقای خود نیز وابسته به علت است.

ملاصدرا در قالب نظریه‌ی تشکیک وجود، مراتب وجود را از واجب‌الوجود تا پایین‌ترین مراتب ممکنات به صورت یک طیف می‌بیند که در آن هر مرتبه پایین‌تر، وجودش را از مرتبه بالاتر می‌گیرد. در این چارچوب، وجود رابط همان نحوی از وجود است که به طور کامل متکی بر مرتبه‌ی بالاتر است و از خود هیچ‌گونه استقلالی ندارد. این تحلیل، به‌ویژه در تبیین وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت، نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

علامه طباطبایی نیز در تفسیر این مفهوم، آن را به عنوان وجودی که در عین تحقق، فاقد استقلال است، مورد توجه قرار می‌دهد. وی معتقد است که وجود رابط، تنها در تحلیل عقلی و مفهومی مستقل لحاظ می‌شود و در خارج، هیچ‌گونه تحقق مستقل ندارد، بلکه وجود آن همان وجود متعلق به غیر است. (طباطبایی، ۱۳۹۱، ص. ۱۵۶)

در مجموع، مفهوم وجود رابط در فلسفه اسلامی، به‌ویژه در حکمت متعالیه، به عنوان یکی از

ارکان تبیین هستی‌شناختی مطرح می‌شود که امکان تحلیل دقیق‌تری از نسبت میان موجودات و واجب‌الوجود را فراهم می‌سازد. این مفهوم، نه تنها در حوزه فلسفه نظری، بلکه در مباحث عرفانی، کلامی و حتی تفسیر قرآن نیز تأثیرگذار بوده است؛ به گونه‌ای که فیلسوفان و مفسران بعدی، از جمله آیت‌الله جوادی آملی، در بستر همین آموزه‌ها، به بازنگری و بازتفسیر آن پرداخته‌اند. برای درک دقیق جایگاه وجود رابط، ابتدا باید به تمایز اساسی میان دو نوع وجود، یعنی وجود مستقل و وجود رابط، اشاره کنیم.

۱.۱. وجود مستقل

واژه مستقل حداقل سه اطلاق دارد:

۱. بی نیاز از علت. تنها مصداق آن خداوند متعال است.
 ۲. موجودی که در تحقق خارجی اش محتاج به موضوع نیست؛ در مقابل اعراض که برای تحقق خارجی‌شان نیازمند موضوع اند. مصادیق آن خداوند متعال و تمام جواهر اند.
 ۳. استقلال مفهومی (در هویت نفس وجودی): وجودی که طرد عدم می‌کند و از طریق مفهوم مستقل می‌توان از آن حکایت کرد. در جنس ذاتی خود و معنای خودش مستقل است. مصادیق آن خداوند متعال، جواهر و اعراض اند. (طباطبایی، ۱۴۰۲: ص ۱۱۵)
- در فلسفه اسلامی معنای مورد نظر از «وجود مستقل» در برابر «وجود رابط» مورد سوم است که مصادیق آن خداوند متعال، جواهر و اعراض بوده و در مقابل آن، وجود رابط است که هیچگونه استقلال مفهومی و وجودی ندارد.
- اما معنای مورد نظر ما از «رابط» در مقابل دو معنای اول و سوم از مفهوم «مستقل» است چرا که «وجود ربطی» مذکور نه تنها معلول است بلکه فراتر از معلول بودن، هیچ استقلال مفهومی نیز ندارد و تمام ماسوی الله مصداق آن هستند؛ چرا که «وجود رابط» بر پایه شأن، تمام مخلوقات غیر از حضرت حق را شامل می‌شود با این تفاوت که حیثیت تعلیلی آن لحاظ نمی‌شود بلکه حیثیت شأنی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲.۱. وجود رابط و رابطی

در مقابل «وجودات مستقل»، «وجودات ربطی» اند که معنای مستقل نداشته و دارای معنای حرفی اند. به تعبیر دیگر، به ادعای فلاسفه اسلامی آن چیزی که هم به لحاظ اسمی و هم به لحاظ حرفی در خارج هست، وجود حقیقتی است. باید توجه کرد که معنای حرفی بر خلاف معنای اسمی برای داشتن هویت معنایی خود لازم است در کنار یک معنای اسمی باشد و به تنهایی نمی‌تواند این هویت معنایی را از خود بروز دهد. پس معانی حرفی با حیثیت تعلیلیه وجود و در دل معانی اسمی، نه در کنار آن، معنا پیدا می‌کنند. لذا خود «وجود» به دو قسم تقسیم می‌شود: اسمی و حرفی (= یا ربطی). وجود حرفی از طبیعت وجود است ولی باید در دیگری باشد که با حیثیت تعلیلیه وجود آن تامین می‌شود نه به حیثیت تقییدیه؛ یعنی در خود اسم معنا پیدا می‌کند نه در کنار اسم. (مطهری، ۱۳۷۲، ج. ۹، ص. ۴۳۴ - ۴۳۸).

۳.۱. عدم اختلاف نوعی وجود مستقل با وجود رابط

در نسبت سنجی وجود رابط و مستقل، وجود یا عدم اختلاف نوعی در این دو در نگاه استقلال‌ی به وجود ربطی تاثیر دارد. اختلاف نوعی به دو وجه مورد تفسیر واقع شده است. ظاهراً معنایی که از اختلاف نوعی مدنظر صدرا است این است که وجود یک سنخ است که شاخه شاخه شده و این تقسیمات وجود و وجودهای مستقل و رابط انواع الوجود است. بنابراین قسیم بودن این دو نشان از انواع مختلف بودن دارد و وجود رابط و مستقل اختلاف نوعی دارند. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج. ۱، ص. ۷۹ و ۸۰) البته از صدرا در آثارش دو سخن مبنی بر جایز یا محال بودن تبدل وجود رابط موجود است که اینگونه قابل جمع است: محال بودن تبدل مربوط به لحاظ واقع (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج. ۱، ص. ۸۲) و جایز شمردن آن، لحاظ فضای ذهن است. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج. ۱، ص. ۱۴۰) بنابراین بیانات علامه مبنی بر جواز تبدل و نگاه استقلال‌ی به وجود رابط، با این بیان صدرا مربوط به تبدل در فضای ذهن قابل توجیه است. در این صورت اختلاف نوعی بین وجود رابط و مستقل وجود ندارد و این دو می‌توانند به هم تبدیل شوند لذا اختلافی وجود ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۶، ص. ۳۰، ۱۵۷ و ۲۴۱)

هدف علامه در اینجا توجه دادن به دیدگاه نهایی صدرا در خصوص نسبت معالیل با حق تعالی و جمع آن با ماهیت نداشتن وجودات رابط است (جمع معلول بودن و ربط بودن). در ادامه علامه براساس دیدگاه نهایی صدرا، تمام معلول‌ها را نسبت به علت یا حق تعالی وجود ربطی دانسته که ماهیت ندارند ولی با توجه التفات به خودشان تبدیل به معنای اسمی و مستقل می‌شوند. لذا اختلاف میان اینها اختلاف نوعی نیست. یعنی آنچه صدرا در علت و معلول گفته است، چیزی جز همین وجود رابط نیست. در حالی که معلول‌ها در نگاه صدرا عین الحاجة هستند نه محتاج، عین فقر هستند نه فقیر. تفسیر فقر محض همین هویت فی غیره بودن است.

۲. وجود رابط در حکمت متعالیه

در منظومه‌ی حکمت متعالیه، مفهوم «وجود» نه تنها محور اصلی هستی‌شناسی است بلکه بنیان تمام ساختارهای فلسفی از معرفت‌شناسی تا الهیات را تشکیل می‌دهد. ملاصدرا پس از تأسیس نظریه‌ی اصالت وجود، دو اصل بنیادین دیگر را نیز وارد دستگاه فکری خود کرد: حرکت جوهری و تشکیک وجود. این سه اصل نه تنها ساختار مفهومی فلسفه‌ی او را متمایز می‌سازند، بلکه زمینه‌ساز تبیین مفاهیمی همچون «وجود رابط» به عنوان نوعی خاص از موجودیت نیز می‌گردند. مفهوم وجود رابط از منظر ملاصدرا، به نوعی از وجود اطلاق می‌شود که در تحقق خود به موجودی دیگر متکی است و به تنهایی فاقد هرگونه استقلال می‌باشد. این نوع از وجود به‌ویژه در نسبت‌های علی و معلولی، و در ساختارهای ترکیبی مانند جوهر و عرض یا صورت و ماده، حضور دارد. برای مثال، رنگ زردی که به سیب تعلق دارد، به خودی خود «موجود» نیست، بلکه وجود آن «رابط» است، یعنی تنها در نسبت با سیب معنا می‌یابد و تحقق دارد. در چنین تحلیلی، وجود رابط نه موجودی مستقل، بلکه نحوی از بودن است که قائم به غیر است. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج. ۱، ص. ۲۵۲)

ملاصدرا با تکیه بر اصالت وجود، تفاوت میان موجودات را نه در ماهیت آن‌ها، بلکه در شدت و ضعف وجودی آن‌ها می‌بیند. در این چارچوب، مرتبه‌ی وجودی یک موجود تابع میزان وابستگی یا

استقلال آن از وجود مطلق، یعنی خداوند، است. موجودی که وجودش کاملاً وابسته است، به‌عنوان وجود رابط شناخته می‌شود؛ در حالی که موجودی که وجودش مستقل است، تنها در مرتبه‌ی واجب‌الوجود تحقق دارد. به‌بیان دیگر، وجود رابط تحقق خارجی دارد، اما این تحقق کاملاً وابسته است و بدون نسبت با وجود مستقل، هیچ هویتی ندارد. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج. ۳، ص. ۱۲۹)

یکی از نکات مهم در تحلیل صدرایی «وجود رابط»، پیوند آن با نظریه‌ی تشکیک وجود است. ملاصدرا معتقد است که وجود، دارای مراتب است و این مراتب همگی از سنخ وجودند، ولی نه به‌صورت هم‌سطح. بلکه برخی مراتب قوی‌تر و برخی ضعیف‌ترند. وجود رابط در این طیف، در پایین‌ترین مراتب قرار می‌گیرد، زیرا نه‌تنها از خود استقلالی ندارد، بلکه تحقق آن به‌طور کامل وابسته به مرتبه‌ی بالاتر است. این تحلیل، امکان تبیین کثرت در عین وحدت را فراهم می‌سازد؛ چراکه موجودات کثیر، همگی در نسبت با وجود مطلق تعریف می‌شوند و خود واجد هستی مستقل نیستند. (طباطبایی، ۱۴۱۶، ص. ۱۶۲)

در نگاه ملاصدرا، وجود رابط تنها در نسبت با وجود مستقل معنا دارد. این بدان معناست که هر معلولی، در تمام هستی خود، وابسته به علت است. این وابستگی نه‌فقط در پدیدآمدن، بلکه در استمرار و بقا نیز هست. بنابراین، وجود رابط در واقع امتداد وجود علت در مرتبه‌ی نازل‌تر است، نه موجودی جداگانه یا مستقل. چنین تحلیلی، نگاه فلسفی به علت را نیز دگرگون می‌سازد، زیرا دیگر علت و معلول دو موجود جداگانه نیستند، بلکه معلول، پرتوی از علت و نحوی از تحقق آن در مرتبه‌ای پایین‌تر است. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج. ۶، ص. ۹۴)

از منظر زبانی و مفهومی نیز، وجود رابط را نمی‌توان به‌گونه‌ای درک کرد که گویی واجد ماهیتی مستقل است. بر اساس تحلیل‌های صدرایی، هرگاه به چیزی به‌عنوان «وجود رابط» اشاره می‌شود، آن‌چه در واقع به آن اشاره شده است، چیزی است که هستی‌اش در نسبت با دیگری معنا می‌یابد. مانند اینکه بگوییم «ایستادن»، «نشستن»، «سفیدی» یا «بلندی» دارای وجودند، اما این وجود،

بدون موضوعی که این حالت‌ها را دارد، بی‌معناست. در نتیجه، وجود رابط را می‌توان به‌عنوان نحوی از وجود وصفی یا انتزاعی تلقی کرد که از وجود موضوع خود جدا نیست. (مطهری، ۱۳۸۱، ج. ۶، ص. ۲۳۲)

در نظام حکمت متعالیه، وجود رابط در سطوح مختلفی تجلی دارد. نخست، در سطح ترکیب‌های فلسفی مانند جوهر و عرض، که در آن عرض‌ها وجود رابط دارند. دوم، در سطح رابطه‌ی علی و معلولی که در آن معلول‌ها وجود رابط دارند. و سوم، در سطح کل هستی، که در آن همه‌ی موجودات ممکن، در نسبت با وجود واجب، دارای وجود رابط‌اند. این تحلیل سه‌لایه، نشان می‌دهد که مفهوم وجود رابط در فلسفه‌ی ملاصدرا، تنها به ساحت خاصی از هستی محدود نمی‌شود، بلکه یکی از چارچوب‌های بنیادین برای تبیین نسبت میان اجزای هستی و اصل هستی است. (جوادی آملی، ۱۴۲۵، ج. ۲، ص. ۳۱۷)

نکته‌ی دیگری که در تبیین وجود رابط از منظر حکمت متعالیه مطرح می‌شود، پیوند آن با حرکت جوهری است. بر اساس نظریه‌ی حرکت جوهری، همه‌ی موجودات مادی در ذات خود در حال حرکت‌اند و این حرکت، خود یک نوع وجود است. حال، چون این وجود نیز نیازمند علت است، می‌توان گفت که حرکت جوهری نیز دارای وجود رابط است و تحقق آن در نسبت با وجود علت معنا می‌یابد. بنابراین، حتی پویایی و دگرگونی موجودات نیز در بستر وجود رابط قابل تحلیل است،

نه در ذیل وجود مستقل. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج. ۳، ص. ۱۸۵)

وجود رابط، در حکمت متعالیه، نه فقط یک مفهوم نظری یا تحلیلی، بلکه مفهومی واقعی و عینی است. ملاصدرا با تأکید بر اصالت وجود، بر آن است که وجود رابط نیز تحقق خارجی دارد، گرچه این تحقق به‌صورت غیرمستقل و در نسبت با دیگری است. برخلاف دیدگاه‌هایی که وجود رابط را صرفاً تحلیلی یا اعتباری می‌دانند، ملاصدرا بر عینیت و تحقق خارجی آن تأکید دارد. این تأکید، تفاوتی اساسی میان او و برخی فیلسوفان متأخر ایجاد می‌کند که در ادامه، به‌ویژه در بررسی دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، به آن خواهیم پرداخت.

۲.۱. وجود رابط و اصول دیگر

در حکمت متعالیه، وجود رابط در پرتو دو اصل بنیادین «اصالت وجود» و «تشکیک در وجود» معنا می‌یابد. ملاصدرا با طرح اصالت وجود، حقیقت وجود را امری عینی و خارجی می‌داند که ماهیت‌ها تنها حدودی اعتباری برای آن محسوب می‌شوند. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص. ۵۴) در این چارچوب، وجود رابط به عنوان وجودی که استقلال ذاتی ندارد و همواره در پرتو وجود دیگری تحقق می‌یابد، تعریف می‌شود. این مفهوم با اصل تشکیک پیوندی ناگسستگی دارد، چرا که مراتب مختلف وجود، از واجب تا ممکنات، همگی در عین وحدت حقیقی وجود، به صورت تشکیکی و رابط‌الیه ظهور می‌کنند. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص. ۱۱۲)

۲.۲. وجود رابط و علیت

در نظام علی ملاصدرا، وجود رابط نقش محوری در تبیین رابطه‌ی علت و معلول ایفا می‌کند. به باور او، معلول نه تنها در وجودش به علت وابسته است، بلکه عین ربط و تعلق به علت محسوب می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳، ص. ۸۷) از نظر علامه طباطبایی این دیدگاه با نظریه‌ی «فیض» و «صدور» همخوانی دارد، چرا که وجود رابط به عنوان حلقه‌ی اتصال میان فیض الهی و موجودات ممکن عمل می‌کند. در واقع، ممکنات به مثابه‌ی شئون و تجلیات وجود حق تعالی هستند که هیچ استقلال‌ی از خود ندارند. (طباطبایی، ۱۴۱۶، ۱۴۵)

۲.۳. وجود رابط و ممکنات

وجود رابط در ساختار تشکیکی وجود، به گونه‌ای سامان یافته است که هر مرتبه‌ی پایین‌تر، ظهور و تجلی مرتبه‌ی بالاتر محسوب می‌شود. این دیدگاه به وضوح در نظریه‌ی «حرکت جوهری» ملاصدرا نیز بازتاب یافته است، جایی که تحولات وجودی موجودات، همگی در پرتو ارتباط ذاتی آن‌ها با وجود مطلق معنا می‌یابد. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص. ۲۰۱) در این میان، موجودات ممکن به مثابه‌ی وجودات رابط، همواره در حال سیر به سوی کمال نهایی خود هستند که همان قرب به وجود بی‌نهایت حق تعالی است.

با وجود جایگاه ویژه‌ی وجود رابط در حکمت متعالیه، این مفهوم با چالش‌های متعددی روبرو بوده است. برخی از منتقدان بر این باورند که اگر تمام موجودات را صرفاً وجود رابط بدانیم، آنگاه تمایز میان موجودات مختلف و حتی اختیار انسان زیر سؤال می‌رود. (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۶، ص. ۲۳۳) در پاسخ به این نقد، طرفداران حکمت متعالیه تأکید می‌کنند که وجود رابط به معنای نفی هویت خاص موجودات نیست، بلکه تأکیدی بر وابستگی ذاتی آن‌ها به وجود مطلق است. (جوادی آملی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص. ۱۷۸) با این حال، این بحث همچنان به عنوان یکی از مجادلات فلسفی در میان اندیشمندان اسلامی مطرح است.

۳. وجود رابط در نظر استاد جوادی آملی

آیت‌الله جوادی آملی از برجسته‌ترین شارحان حکمت متعالیه در دوران معاصر به شمار می‌رود که با نگاهی نو به بازخوانی مفاهیم بنیادین این مکتب پرداخته است. در میان این مفاهیم، مسئله‌ی «وجود رابط» جایگاهی محوری در نظام فکری ایشان دارد. وی با تکیه بر مبانی اصیل فلسفه‌ی صدرایی و همچنین با بهره‌گیری از منابع عمیق عرفانی و قرآنی، تحلیلی بدیع از این مفهوم ارائه داده است. (جوادی آملی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص. ۱۵۷). از دیدگاه ایشان، وجود رابط نه صرفاً یک مفهوم فلسفی انتزاعی، بلکه کلیدی برای فهم رابطه‌ی حقیقی میان خالق و مخلوقات است. ایشان با تأکید بر آیه «کل شیء هالک الا وجهه؛ یعنی هر چیزی نابود شدنی است مگر ذات باری تعالی»، (۸۸: ۲۸) استدلال می‌کند که تمام موجودات در ذات خود فانی بوده و تنها به اعتبار ربط به وجود الهی تحقق دارند. (جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص. ۲۳۴) این نگاه، تفسیری نو از نظریه‌ی اصالت وجود ملاصدرا ارائه می‌دهد که در آن، وجود رابط به مثابه‌ی تجلی و ظهور حق تعالی در مراتب مختلف هستی فهمیده می‌شود.

هر چند استاد به طور کلی از چارچوب فلسفه‌ی صدرایی پیروی می‌کند، اما در برخی جنبه‌های مهم، تفسیری متمایز از حکمت متعالیه ارائه می‌دهد. ملاصدرا بیشتر بر جنبه‌های فلسفی و عقلانی وجود رابط تأکید داشت، (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص. ۱۸۹) اما استاد جوادی آملی این مفهوم

را با مبانی عرفانی و قرآنی پیوند می‌زند. برای نمونه، ایشان با استناد به حدیث «كنت كنزاً مخفياً» وجود رابط را به مثابه‌ی تجلیات اسماء و صفات الهی تفسیر می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۸ الف، ص. ۸۷)

۳.۱. وحدت وجود عینی و انحصار آن در ذات واجب

یکی از بارزترین وجوه اندیشه‌ی آیت‌الله جوادی آملی، تأکید قاطع ایشان بر وحدت عینی وجود است. از نظر وی، در مقام تحقق خارجی، تنها یک وجود حقیقی وجود دارد که همان وجود واجب تعالی است و سایر موجودات به هیچ وجه استقلالی ندارند. (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۳) این دیدگاه که از آن به «توحید وجودی» تعبیر می‌شود، در واقع تفسیری صریح‌تر از نظریه‌ی وحدت وجود ملاصدرا محسوب می‌شود. ایشان در این زمینه استدلال می‌کند که حتی اصطلاح «وجود رابط» نیز نوعی تسامح است، چرا که در حقیقت، هیچ وجودی جز خداوند تحقق ندارد و آنچه ما به عنوان موجودات می‌بینیم، همان ظهورات و تجلیات حق تعالی هستند. (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص. ۲۰۱)

۳.۲. تحلیل رابط بودن سایر موجودات

استاد برای تبیین دقیق‌تر مفهوم وجود رابط، به تحلیل‌های عمیق فلسفی و منطقی متوسل می‌شود. ایشان با تقسیم وجود به «وجود بالذات» و «وجود بالغیر»، استدلال می‌کند که موجودات ممکن نه تنها در حدوث خود، بلکه در بقای خود نیز کاملاً وابسته به وجود الهی هستند. (جوادی آملی، ۱۳۹۸ ب، ص. ۱۷۸) این دیدگاه با استفاده از برهان «امکان فقری» تقویت می‌شود که بر اساس آن، ممکنات از هر جهت فقیر و نیازمند به واجب الوجود هستند. به بیان دیگر، رابطه‌ی ممکنات با واجب، رابطه‌ی ظل با مُظَلّ و شعاع با خورشید است. (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص. ۶۷)

آیت‌الله جوادی آملی در آثار تفسیری خود، به ویژه در تفسیر تسنیم، به کرات به مسئله‌ی وجود رابط پرداخته است. در تفسیر آیه‌ی «اللّٰهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ؛ خَدَّاعُونَ نُورِ السَّمَانِهَا وَ زَمِینِ» (۲۴: ۳۵) ایشان به تفصیل به تبیین این نکته پرداخته که تمام نورهای موجود در آسمان‌ها و زمین، در حقیقت تجلیات نور الهی هستند و هیچ نور حقیقی جز خداوند وجود ندارد. (جوادی آملی،

۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۳۴۵) این تفسیر، تطبیق عملی نظریه‌ی وجود رابط در فهم آیات قرآنی است. همچنین در تفسیر سوره‌ی اخلاص، تأکید می‌کند که «لم یلد و لم یولد» اشاره به تنزیه ذات الهی از هرگونه رابطه‌ی وجودی با مخلوقات دارد، چرا که مخلوقات وجود مستقل ندارند تا بتوانند با خداوند رابطه‌ی والد و مولود داشته باشند. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۲۳)

۳.۳. نسبت دیدگاه استاد با عرفا

دیدگاه ایشان درباره‌ی وجود رابط، قرابت‌های قابل توجهی با مبانی عرفان اسلامی، به ویژه اندیشه‌های ابن عربی دارد. هرچند ایشان به صراحت از نظریه‌ی وحدت وجود ابن عربی دفاع نمی‌کند، اما در عمل، بسیاری از استدلال‌هایش به نتایج مشابهی منجر می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۴) با این حال، تفاوت اصلی در این است که استاد سعی می‌کند این مفاهیم را در چارچوب فلسفه‌ی اسلامی و با اصطلاحات عقلی تبیین کند، در حالی که ابن عربی بیشتر از زبان شهود و سمبولیک بهره می‌گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۲۳۷)

نقد‌های وارد بر دیدگاه استاد جوادی آملی

دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره وجود رابط، با نقدهایی از سوی برخی اندیشمندان مواجه شده است. برخی معتقدند که این تفسیر از وجود رابط، به نوعی انکار واقعیت عالم ماده و تنزل دادن آن به سطحی کمتر از آن منجر می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ج ۱، ص ۲۷۳) در پاسخ به این نقد، استاد جوادی آملی تأکید می‌کند که انکار استقلال وجودی عالم، به معنای انکار واقعیت آن نیست، بلکه تأکیدی بر وابستگی ذاتی آن به وجود الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۵۶)

دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره‌ی وجود رابط را می‌توان نقطه‌ی اوجی در تکامل این مفهوم در حکمت متعالیه دانست. ایشان با تلفیق مبانی فلسفی، عرفانی و قرآنی، تفسیری منسجم و عمیق از این نظریه ارائه داده است که از یک سو به تصفیه‌ی آن از برخی ابهامات موجود در آثار ملاصدرا کمک کرده و از سوی دیگر، زمینه‌ی تطبیق آن با معارف قرآنی و روایی را فراهم ساخته

است. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۹) این دیدگاه اگرچه ممکن است با چالش‌هایی مواجه باشد، اما بدون شک گامی مهم در جهت توسعه‌ی فلسفه‌ی اسلامی در دوران معاصر محسوب می‌شود.

۴. بررسی دیدگاه استاد در مسئله وجود رابط

بررسی تطبیقی آرای ملاصدرا و استاد درباره وجود رابط نشان‌دهنده همگرایی‌ها و واگرایی‌های مهمی است. از نظر ملاصدرا، وجود رابط به عنوان موجودی که «فی نفسه» نیست اما «بغیره» تحقق دارد تعریف می‌شود. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص. ۲۳۴) استاد نیز این تعریف را می‌پذیرد و تأکید بیشتری بر جنبه‌ی «عدمی» وجود رابط دارد؛ لذا آن را به «فقر محض» تعبیر می‌کند. (جوادی آملی، ۱۴۲۵، ج ۵، ص. ۱۲۳)

تفاوت اصلی در این است که ملاصدرا تعبیر وجود را برای ممکنات مسامحی نمی‌داند و برای وجود رابط نوعی «تحقق خارجی» قائل است. -هرچند این تحقق کاملاً وابسته به علت است.- اما استاد جوادی آملی معتقد است که وجود رابط صرفاً «ظهور» و «تجلی» وجود واجب است و تعبیر وجود برای ممکنات نوعی تسامح است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص. ۵۶) این اختلاف نظر در تفسیر حدیث «کنز مخفی» نیز مشهود است؛ در حالی که ملاصدرا آن را به نظام علی و معلولی تفسیر می‌کند، استاد بر جنبه‌ی شهودی و عرفانی آن تأکید دارد. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۰۰، ص. ۱۸۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص. ۷۸)

۴.۱. سازگاری / ناسازگاری با اصول حکمت متعالیه

پرسش مهمی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا تفسیر آیت‌الله جوادی آملی از وجود رابط با مبانی اصلی حکمت متعالیه سازگار است؟ برخی مانند مصباح یزدی معتقدند که تأکید بر «عدم تحقق» ممکنات، با اصل «تشکیک وجود» در تعارض است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص. ۱۴۵) در مقابل، طرفداران نظریه استاد جوادی آملی استدلال می‌کنند که این تفسیر در واقع تکامل منطقی همان اصول صدرایی است، نه نقض آن. (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۹، ص. ۲۳۴)

مسئله‌ی دیگر، سازگاری این دیدگاه با اصل «علّیت» است. ملاصدرا معتقد بود که رابطه‌ی علت و معلول، رابطه‌ای حقیقی است. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳، ص. ۶۷) اما استاد با تفسیر خاص خود از وجود رابط، این رابطه را به «ظهور و تجلی» تقلیل می‌دهد. این دیدگاه اگرچه از نظر عرفانی عمیق است، اما ممکن است با برخی لوازم فلسفی نظام صدرایی ناسازگار باشد. (طباطبایی، ۱۴۱۶، ص. ۲۸۹)

۴.۲. سازگاری / ناسازگاری با نظریه وحدت وجود

دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی درباره وجود رابط، پرسش‌های مهمی درباره نسبت آن با نظریه وحدت وجود عرفانی مطرح می‌کند. آیا می‌توان گفت که تفسیر ایشان به دیدگاه ابن عربی نزدیک است؟ در حالی که ابن عربی صراحتاً از «وحدت شخصی وجود» سخن می‌گوید، (قیصری و حسن زاده، ۱۳۹۷، ص. ۴۵) استاد جوادی آملی از پذیرش صریح این نظریه خود داری می‌کند. با این حال، نتایجی که از تفسیر او از وجود رابط حاصل می‌شود، در عمل بسیار به دیدگاه عرفانی شبیه است. (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۶)

به نظر می‌رسد تفاوت اصلی در روش شناسی باشد؛ زیرا ابن عربی از زبان شهود و رمز استفاده می‌کند، در حالی که استاد می‌کوشد همین مفاهیم را با اصطلاحات عقلی و فلسفی بیان کند. (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۷) این تفاوت روشی باعث شده است که اگرچه محتوای بحث مشابه است، اما صورت بیان کاملاً متفاوت باشد.

۴.۳. پیامدهای هستی‌شناختی

تفسیر آیت‌الله جوادی آملی از وجود رابط، پیامدهای مهمی در حوزه هستی‌شناسی دارد. نخستین پیامد، - که البته مختص دیدگاه ایشان نیست و پیشتر نیز مطرح شده است - مسئله «تشخص» موجودات است. اگر موجودات صرفاً ظهورات وجود حق باشند، چه چیزی موجب تمایز و تشخص آن‌ها می‌شود؟ ایشان برای پاسخ به این پرسش به نظریه «اعتباریات» متوسل می‌شود و معتقد است که تمایزات، جنبه‌ی اعتباری دارند. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص. ۲۰۱)

پیامد دیگر، مسئله «اختیار انسان» است. اگر انسان وجود مستقل نداشته باشد، چگونه می‌تواند صاحب اختیار باشد؟ در پاسخ به این اشکال، وی به «اختیار رابطی» قائل است؛ یعنی همان‌گونه که وجود انسان عین ربط است، اختیار او نیز ربطی و تابع مشیت الهی است. (جوادی آملی، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۸) این پاسخ اگرچه از نظر فلسفی عمیق است، اما ممکن است با برداشت متعارف از اختیار انسان ناسازگار به نظر برسد. چه‌که از نظر ایشان، اصولاً سلب اختیار از انسان، سالبه به انتفاع موضوع است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص. ۸۴)

۴.۴. مقایسه با سایر دیدگاه‌های معاصر

در مقایسه با دیگر فیلسوفان معاصر، دیدگاه آیت الله جوادی آملی درباره وجود رابط از جهاتی به دیدگاه علامه طباطبائی نزدیک است. هر دو بر جنبه «فقر وجودی» ممکنات تأکید دارند. (طباطبائی، ۱۳۹۲، ج. ۳، ص. ۱۲۳) اما استاد در تفسیر این فقر وجودی، گامی فراتر نهاده و آن را به «عدم تحقق مستقل» تعبیر می‌کند.

در مقابل، فیلسوفانی مانند آیت الله مصباح یزدی و آیت الله مطهری تفسیر محتاطانه‌تری از وجود رابط ارائه داده‌اند. شهید مطهری معتقد است که نباید از «وجود رابط» به «عدم وجود مستقل» رسید، چرا که این امر به انکار واقعیت عالم می‌انجامد. (مطهری، ۱۳۸۱، ج. ۹، ص. ۲۳۴) این اختلاف‌نظرها نشان‌دهنده تنوع برداشت‌ها از این مفهوم بنیادین در فلسفه اسلامی معاصر است. بررسی تطبیقی نشان می‌دهد که دیدگاه استاد جوادی آملی درباره وجود رابط، از یک سو تداوم سنت حکمت متعالیه است و از سوی دیگر، نوآوری‌های مهمی در بر دارد. تأکید ایشان بر جنبه «عدمی» وجود رابط و ارتباط آن با نظریه «فقر وجودی»، این مفهوم را به مرزهای جدیدی رسانده است. هرچند این تفسیر با چالش‌های فلسفی روبروست، اما بدون شک گامی مهم در تکامل این نظریه محسوب می‌شود.

این بررسی همچنین نشان می‌دهد که مسئله وجود رابط همچنان یکی از پویاترین مباحث در

فلسفه اسلامی معاصر است و مجال برای تحقیقات بیشتر در این زمینه وجود دارد. به ویژه، بررسی نسبت این نظریه با یافته‌های علوم جدید و فلسفه‌های معاصر غربی می‌تواند زمینه‌های پژوهشی جدیدی را بگشاید.

خلاصه اینکه بحث وجود رابط در حکمت متعالیه، از نوآوری‌های بنیادین ملاصدرا محسوب می‌شود که موجب تغییراتی در مبانی هستی‌شناسی اسلامی شد. همان‌گونه که در بیان مسئله اشاره شد، این نظریه به تبیین رابطه وجودی میان واجب و ممکن می‌پردازد و موجودات عالم را به مثابه وجودات رابط‌الیه می‌فهمد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که آیت‌الله جوادی آملی با پذیرش چارچوب کلی حکمت متعالیه، تفسیری صریح‌تر از این مفهوم ارائه داده است. ایشان با تأکید بر «فقر محض» ممکنات و «وحدت عینی وجود»، عملاً هرگونه استقلال وجودی را از ممکنات سلب کرده و آنها را صرفاً به عنوان تجلیات و شئون وجود حق تعالی تفسیر می‌کند. (جوادی آملی، ۱۴۲۵، ج. ۵، ص. ۱۲۳)

تحلیل تطبیقی انجام شده نشان داد که این دیدگاه از یک سو تداوم سنت فلسفی ملاصدراست و از سوی دیگر، با بهره‌گیری از مبانی عرفانی و قرآنی، به نتایجی مشابه با نظریه وحدت وجود عرفانی می‌رسد، هرچند با اصطلاحات و روش‌شناسی فلسفی بیان می‌شود. در این مسیر، دیدگاه استاد جوادی آملی هم با دفاع‌هایی روبرو شده و هم نقدهایی را برانگیخته است، به ویژه در مورد پیامدهای آن برای مسائلی مانند تشخیص موجودات و اختیار انسان.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده در این مقاله، می‌توان به چند نتیجه مهم دست یافت:

۱. تکامل مفهوم وجود رابط: سیر تحول مفهوم وجود رابط از ملاصدرا تا استاد جوادی آملی نشان‌دهنده روندی تکاملی در فهم این نظریه است. اگرچه ملاصدرا بنیان‌گذار این نظریه بود، اما استاد جوادی آملی با عمق‌بخشی به آن و ارتباط دادنش با مبانی قرآنی و عرفانی، گامی فراتر نهاده

است. این توسعه نظری، حکمت متعالیه را در مواجهه با پرسش‌های جدید فلسفی توانمندتر ساخته است.

۲. تقارب فلسفه و عرفان: دیدگاه استاد جوادی آملی درباره وجود رابط، نشان‌دهنده نزدیکی هرچه بیشتر مباحث فلسفی با عرفان اسلامی است. این تقارب اگرچه از نظر روش‌شناختی چالش‌برانگیز است، اما می‌تواند افق‌های جدیدی در فهم رابطه خدا و عالم بگشاید. به ویژه اینکه ایشان موفق شده است این مفاهیم را در چارچوبی نظام‌مند و منطقی ارائه دهد.

۳. چالش‌های پیش رو: نتیجه‌گیری مهم دیگر این است که این دیدگاه با چالش‌های جدی مواجه است، به ویژه در مورد پیامدهای آن برای مباحثی مانند علیت، اختیار انسان و واقعیت عالم ماده. پاسخ‌های استاد جوادی آملی به این چالش‌ها، اگرچه مبتکرانه است، اما هنوز جای بحث و بررسی بیشتر دارد. به عنوان مثال، نظریه «اختیار رابطی» ایشان نیاز به بسط و تفصیل بیشتری دارد. ۴. ظرفیت‌های پژوهشی: این بررسی نشان داد که نظریه وجود رابط در تفسیر استاد جوادی آملی، ظرفیت‌های زیادی برای توسعه پژوهش‌های بینارشته‌ای دارد. به ویژه در حوزه فلسفه علوم جدید و فلسفه ذهن، این نظریه می‌تواند الهام‌بخش رویکردهای جدیدی باشد.

۵. نقش محوری در نظام فکری: در نهایت می‌توان گفت که نظریه وجود رابط در تفسیر استاد جوادی آملی، نقشی محوری در نظام فکری ایشان ایفا می‌کند و بسیاری از دیگر اندیشه‌های فلسفی و تفسیری ایشان بر این پایه استوار شده است. این امر اهمیت پرداختن به این نظریه را برای فهم کلیت اندیشه ایشان نشان می‌دهد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۴) الاشارات والتنبیها، قم، نشر البلاغه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، سرچشمه اندیشه، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، فلسفه الهی از منظر امام رضا علیه السلام، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، معاد در قرآن، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، تفسیر موضوعی قرآن کریم، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴)، ادب فنای مقربان، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶)، عین نضاح: تحریر تمهید القواعد، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷)، معرفت شناسی در قرآن، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ الف)، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ مراحل اخلاق در قرآن، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ ب)، فلسفه صدرایی، قم، مرکز نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ ج)، شمس الوحی تبریزی؛ سیره علمی علامه طباطبائی، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۸ د)، انسان در اسلام، قم، نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۴۲۵)، ر حیق مختوم، قم، نشر اسرا.
- حسن زاده آملی، حسن (۱۳۷۹)، هزار و یک نکته، قم، نشر بوستان کتاب.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۰۰)، المبدأ و المعاد، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳)، المشاعر، تهران، نشر طهوری.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۹)، الاسفار الاربعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۰۲) نهاية الحکمة، تعلیقات علی امینی نژاد، قم، آل احمد.
- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۶)، نهاية الحکمة، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- قیصری، داود بن محمود، حسن زاده آملی، حسن (۱۳۹۷)، شرح فصوص الحکم، قم، نشر بوستان کتاب.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴ الف)، آموزش فلسفه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ب)، شرح نه‌ایة الحکمة، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، مجموعه آثار، (اصول فلسفه و روش رئالیسم)، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) مجموعه آثار، (شرح مبسوط منظومه)، تهران، انتشارات صدرا.
- Cooper, J. M., & Hutchinson, D.S. (1997). *PLATO Complete Works*, USA: Hacket Publishing.
- Aristotle, *Metaphysics*, translated by W. D. Ross, Green Lion Press, 1999.
- Aristotle, *Republic*: The Complete Works of Aristotle, The Revised Oxford. Translation, Edited by Jonathan Barnes, 1984, Published by Princeton University Press.

